فرازوفرودجامعهایرانی درنگاهی جامعه شناسانه به ادبیات ایران مدرن (بخش سیز دهم)

اثر معکوس اصلاحات ارضی در ایران

◄ بازنمود تحولات اجتماعي وسياسي درنثر داستاني حدفاصل سالهاي ١٣٤٠ تا ١٣٥٧





در شمار دهای بیشین نوشیتار های فراز و فرود جامعــه ایرانی در نگاهی جامعه شناســانه ب . ایران مدرن که در همین صفحه انتشــار می یافتند. "رکی دربــاره بازنمودهـــای سیاســـی و اجتماعـــی در نثر داســتانی پس از مشــروطه تا ســـال ۱۳۴۰ به اجمال سخن رفت. حال زمان آن است که در تقسیمبندی سالهای ادبیات داس تانی، به اجتماعیات و مظاهر ی درنثر داستانی برهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ پر داخته ... شـودچه آن کـه در سـال پایانی مور دبررســی این نوشــتار، ایران با تحـول و دگر گونی عظیــم انقلاب اسلامی ۵۷ مواجه شد که مسیر جامعه را یکسره دبیات پس از انقلاب را دستمایه قرار دهد به آینده موكولمىشود.

ود تغییرات فرهنگــی و توســعه اجتما: اقتصادی ایسن دوره، آنچه بیش از همه در داستانها نمود می یابد برجستگی ادبیات اقلیمی - بومی در دهه ۴۰ و ۵۰است که هرچند پیش از اینها در نثر داســـتاني وارد شــده اما عمده ترين ظهور آن به دليل تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مربوط به این ـت برای آشکار سـازی بیشتر این

پدیداری|دبیات|قلیمی

بومی دوره موردبحث معلول عواملی است.طرح۶ مادهای انقلاب سفیدیکی از

آن موارداست از دیگر موارد

در دهه ۴۰ است

نهاىملى

پیروزیهاینه*ف*

برای بــه تُصوير کشــيدن منطُقه خــاص جغرافيايــی و آب و هوايی آن، ویژگی های محیططبیعی و بومی، فرهنگ و معتقدات ردمـــى، آداب و رســـوم، لهجـــه و مرسطی است رر گفتار محلی، پوشششها، فولکلور و حتی شیوههای تفکر و احساس ر دم یک منطقه و حرفه و پیشــه نها صورت می گیرد به گونهای که یے عناص ، مشخص کنندہ یک قلیم خــاصُ میشــوند. پدیداری

دبیات اقلیمی - بومی دوره مورد بح

است. طرح ۶ مادهای انقلاب سُفید یکی از آن مُوارد است که مشتمل است بر: تقسیم اراضی، ملی کردن جنگلها، فروش کارخانههای دولتی به ب صوصی، فروش سهام کارخانهٔ ها به کارگران، اعطای حق رأی به زنان، ایجاد ســپاه دانش [۱]. از دیگر موارد، حق رای بدر زن ایجید نسیج دست ۱۰ را بیرم موارد. پیروزی های نهفت های ملی در دهه ۴۰ است که بر جنبش های مار کسیستی تأثیرات خاص گذاشت و قرالت خاصی از مار کسیستی را در میان نیروهای چپ سبب شده اوجه مشخصه این قرالت تأکید بر جنبه املی؛ مبارزه در مقابل جنبه «انترناسیونالی آن بوده. گسترش کاستروییسیم در آمریکای لاتین و مائو در شرق آسیانیز معلول این اوضاع و احوال بود که تمامــی این مــوارد مُوجب ایجاد ادبیــات بومی در کشورهای پیرامون شد که خود یکی از دلایل گرایش به این ژانر در ادبیات ایران نیز شد؛ «اما آنجه این تأثیرات را در ایران پررنگ تــر می کرد، وجود حکومتی بود که با کمک نیروهای بیگانه جانشین حکومت ملی شده بود و باهمه تاب وتوان خود سعی در ترویج فرهنگ مصرفی سرمایه داری غربی داشت، ^[۲] که برگرفته از اعمال قدرتُ خارجُے ہُی ۔ که این امر باعث بیان مساله غریزدگی و باز گشت به اصالت خویش و بیگانهستیزی در بطن آثار شد؛ بدین ترتیب که نویسندگان به دورافتاده ترین مکانهای ترتیب که نویسندگان به دورافتاده ترین مکانهای اقلیمی پرداختند تا ارزشهایی متماییز از ارزشهای زندگی مصرفی شهری را ترسیم کنند ارزش هایی که از فرهنگ غرب تأثیر نگرفته باشد که این امر همان نفی : ندگی شهری و حست و حوی هویت ملی و یا: گشت به نن بود. رئسـد طبقه متوسط و شکوفایی زندگی ر... س.بر روشنفکرانه در شهرها، پدیداری جُنگهای محلی که رر در آن از الدبیات ناحیهای؛ سخن رفت ^[۲] و... همهوهمه از دیگر عواملی بود که واکنش روشنفکران نویسنده را برانگیخت و ادبیات بومی - اقلیمی را عیان تر ساخت

،---ندکردن ایسن ادعا می توان بــه طرحهای عمرانیای اشــاره کــرد که به جهت توســعه اجتماعی صورت گرفت و در ادبیات اقلیمی و روستایی ظاهر شد. عمده ترین آن برنامه عمرانی مربوط به بخش کشاورزی

واصلاحات ارضی بود که به زندگی روستایی گره خورده بود. یکی از آثار اقتصادی و اجتماعی اصلاحات ارضی ن بود که اســاس مالکیت مالکان بزرگ و نظام ارباب -عيتى متلاشى شد از نثر داستانى أى كه بلافاصله بعد اصلاحات ارضى منتشر شدو ضمن ارزيابي تأثيرات ر مصر عبد جتماعي آن به مسأله ارباب-رعيتي پرداخت . شریفجان شریفجان، تقی مدرسی یاد کرد که در خُلال آن مسأله بازگشت به اصالت خویش و ناپسندی زندگی شهری و صنعتی نیز بیان شد. یکی دیگر از برنامههای عمراني، اختصاص هزينه هايي به بخش كشـــاورزي بود برای اســــقاده از تراکتور و... در کل ماشـــینی و مکانیزه کردن روستا. این امر به تمامی در ادبیات روستایی نمود کردن روستا این امر به دهامی کر لابیتات روستایی مود یافت امااز آن جا که واکنش برخی از نویسندگان باز گشت به اصالت و نفی تعلقات زندگی صنعتی شهری بود ضدیت براورود تکنولوژی پدیدار کشد نمونه آن انقرین زمین آ[†]] آل احمد است که در کنار اشسارت به اصلاحات ارضی و نظام ارباب – رعیتی حلوی اطلاعاتی از شسیوه زندگی و شكل بندى اجتماعي و بأورهاي فولكلوريك روستاييان عرشار از ارزش های غیر مصرفی شهری و ضدیت با ورود تکنولوژی به روســـتامیپردازد. نمونه دیگر این ضدیت در «عزاداران بیل» ســاعدی نیز نمایانســـازی میشود. در در کرای دی ضدیت مذکور تداعی کننده نظریه «مقاومت فرهنگی» نظریه پردازان اجتماعی است مبنی در این که هر چیز جدید خواه علمی، مکانیکی، فرهنگسی، اجتماعی و ۔. و . .. در کل هر تغییری در جامعـه با مقاومت پذیرش مواجه می شود ^[۵] اما نباید این نکته را نیز از نظر دور داشت که جه بخش نخواهد بود این اثر از آل احمد ضمن مسائل مطروحه بیگانه ستیزی نیز می پردازد. علیرضا صدیقی آ^{8]}

یکی از مؤلفههای تشکیل ادبیات بومی را بیگانهستیزی معرفی می کند و آن را با انواع نقد به چُهار ر بر . ری به پهر ته تقسیممیکند.نگارندهاین سطور با توسل بدان، در ذیل انواع پیرامونی می پردازد:

السفّ) نقَــدُ بِيكَانَــكَانِ در پي توجه بــه مدرنیســـم و ناهمگنی ورود آن به جامعه ســنتی ایران و رر وجه به دولتهـای غربی، مانند سووشون» که از منظر نمایش نقش زنان نویسنده نیز در

این دوره از تاریخ ادبیات ایران درخور توجه است. پ) نقد سیاستهای دولت بیگانه دوست که در آن یا دولت درخدمت بیگانه است، مانند: «همسایهها»ی . بودیابه اجرای تفکراتی در فضای سنتی ایران مىپردازد كەسنخىتى با آن نداردو اين مورد در «نفرين امشهوداست.

چ) نقــدروشــنفکران در خدمت بیگانــگان و دولت ئه در راســتای برخورد نســلی با مفاهیم دموکراسی، آزادی، عدالت، و ردی، هدانت معاربیستم و رودی به سنت ه پدیدار سه و چنین مفاهیمی عامل ظهور روشنفکرانی شد که ر پیین سامیهای ساس بهر روست برای به به به نظر کرد. به نقد خودی پرداختند و سبب پدیــداری نوع ادبیات ملامت روشــنفکران شــدند. به این منظور به تعریفی از «خود» و «غیر» و در شــکلی وســیع تر به مســأله خود ر کر ر کر کر کرد نویتی و رویارویی با تمدن غرب و مسأله غربزدگی توجه گردند ^[۷]ابلذاسعی کردند که با تعریف و شناساندن «غیرا ونُقد آن در ادبيات داسُــتاني بدانٌ بپردازنــد. حالَ كه اُز بەنمودسرخوردگى وشنفکران شبهری در برخور دبا تنگناهای زندگی تایی اشارتی شوند در سطور پیش گفته شد که یکی زبرنامههای توسعه اجتماعی، ایجاد سیاهیان دانش بود. مُعُلُمانی از اینُ گروه برای آموزش به روستاها وارد شدند که گاه چون امین فقیری از روشنفکران نویسنده بودند؛ لذا ابن بامه باعث شهد که شخصت معلم وستا - که اربر گاه بر گرفته از تجربیات واقعی نویسنده بود در راستای برنامه های دولتی به عرصه ادبیات داستانی وارد شود و به شکل گریز او از جامعه صنعتی به جامعه بدوی برای کسب آسایش نمود یابد؛ اما نه تنها او به خواسته اش نایل پنجره، امین فقیری و «چات؛ شفیانی از این دسته است. این امر از منظری وسیع تر دربردارنده تقابل سنت ے ہے ہے ہے۔ حب سبب سبت ومدرنیته-بهعنوان دیگر مؤلفہ تشکیل ادبیات ہومی نیز است کهشخصیتهاہے اپنتخت، ادحا همستان ا اُستُ که شخصیتُ هایی اینچنین رادچار هویت باختگی و در عین حال هویت جویی واصالت خواهی می کند، بروز ر گرانه وگانه هویت در واقع محصول ناهمگنیها و جداییهای ختلفی اسـت که توسـعه صنعتــی و دگر گونیهای اجتماعی، بین نحوه زُندگی جامعه سننتی وُ شُهرهای صنعتی به وجود آورد ل^{[ا}و توجه بیشتر به فرهنگ و هویت ایرانی را در ادبیات اقلیمی موجب شده مانند توجه به زبان

۱.گسسترش هویت قومی: که در راسستای آن«در استانهای دورتر از مرکز که هویت قومی مبتنی بر روستا وطايفه جاى خود رابه هويت گستر دهتر مبتنى بر زبان و انزوای ســنتی خود خارج شــوندو با حکومت ُمرکزی و شهرها پیوند یابند ۱۹ و جمعیت شهرنشینی فزونی یابد ئه خود یکی از پیامدهای مهاجرت، وستاییان (بهعلت ر ـــ ی ر بـــ کا ر بـــ کا بـــ از کا در ـــ در کا ر ـــ کا کا اصلاحات ارضی) و رشد جامعه مصرفی و بورژوازی بود. مهاجرت نمودیافته در آثار داستانی برگرفته از واقعیت . بهاجرت داخلی از ده به شهر و مهاجرتُ خارجی است که به مسأله برخورد با موضوع کار و بروز ادبیات کار گری در ذیل ادبیات اقلیمی نیز می پردازد از عمده ترین علت مهاجرت بی عدالتی اجتماعی وامکانات محدود معیشتی و بیکاری(مانند بیــان بیکاری در «کار بــه خُانه ما آمد» ر ایران کرد. محمود طیاری) و کسب درآمد و...است که در ادبیات قلیمی جنوب به شکل مهاجران کارگر در حاشیه جزایر

ـتُ باعث خالىشــدن نُاطُقي از جمعيت ميشود و دولت در پـُـی علاج آن برنمی اَیدُ و درنهایت در نثر داستانی نیز به تُصوِّیر کشیده میشود. در بیان شاهدی از ادبیات اقلیمی مربوط به کارگسران و موضوع برخورد

اُم در قیام کارگری علیه گردنباری نظام ارباب , عیتے . دلیل دیگر مهاجرت تبعیت از خانواده اد که در الزخم چمبرا دولت آبادی دیده می شکود یا مادر و پدر گم کردگی است نظیر داستان ابنده دولت آبادی که با نگاهی تمثیلی می توان از آن به عنوان هویُت یابی و چه بسا پناهجویی یاد کرد. در کل مهاجرت در بردارنده علل اقتصادی، سیاسسی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی بوده است که به انحای مختلف در نثر داستانی بیان می شــود. با توجه بــه حوزههای مختلــفادبیات اقلیمی ما چون: شـمال(گیلان)، جنوب(خورزستان)، شرق(خراســـان)، غرب(کرمانشـــاه) و آذربایجــان و... مونههای بســیاری در این موارد یافت می شود که برای دوری از اطاله کلام و در عین حال مستندسازی تنها به بیان اندک شواهدی بسنده شد. از دیگر مسائل مطروحه . ت برادبیات بومی، نمایان سازی ساختار طبقاتی موجود در جامعه روستایی و کارگری است که در راستای اصلاحات ارضی وبُرنامههای عمُرانی دچار دگر گُونی شــد.مالکان بزرگ از صحنه ارضی خارج شــده و به میدان تجارت و بازر گانی پای نهادند و قدرت پیشــین را از دست دادند که بورو کراسیی دولتی در واگذاری وام به دهقانان ایجاد ے کرد، سوداگران که شامل سلفخران (مانند ایاران) ی ر اکبر رادی)، نزولخواران(مانند «کبلایی» میرکاظمی)، چوبداران، دکانداران و پیلــهوران (مانند «کنیز» و «آقای ، برد کری سابری، امیــن فقیری) میشــدند، جای مالــک را پر ئردند، (۱۰ که با نظــر به مثال های مذکور باز تاب آن در ادبیات داستانی دیده می شود. خوش نشینان (کشاورزان

فتند، ماننداد شتبان المین فقیری. د) نقد مردم بی توجه به بیگانگان، مانند: مردمان شم دوخته به دستُ بیگانگان اترس ولرز اساعدیُ. تاکنون در خـــلال بحثهای مختلف بــه مؤلفههای تشكيل ادبيات اقليمي نيز اشاره شد. از ديگر موارد، بيان آیین و رسوم است و نمونه آن «سوگواران» ابراهیم رهبر با توصیفهای فولکلور و آیین عزاداری محرم اقلیم شمال

وكويشها واصطلاحات محلى وفولكلورها در أثار كهبه نناسی و مردمشناسی از اهمیت برخُوردار است و دیگر، توجه به باورهای ایرانی-اسلامی(روح ملى-مذُهبى) كُه گاها به شُكل منفُك و گاه ادغام شُ در نثر ظهور مے پابدو مؤلفہ های دیگر تشکیل ادبیات ر ۱ (۱۸ کار کید. ۱ ر ۱ کار کید. پومی رانمایان میسازد. اگاوار دبان ۱ دولت آبادی نمونهای از این آمیختگی هویت ملی – مذهبی است. بی تردیداین _____ کے ۔۔۔۔ کی ۔۔۔۔۔ کی دیداین امر می تواند وطن سے تایی و باز تاب آن را در آثار به دنبال دائش میلفد کی ۔ آ داشته باشد که در آفرینشهای این دوره از جمالزاده دیده می شود. اما مسأله هویت به همین جاختم نمی شود چرا

ی در پی اصلاحات ارضی، تجاری کردن کشــاورزگ رخ می دهدودورویه متناقض هویتی گسترش می یابد.

خلیجفارس مطرح می شود و ۱ کیودان، حسین دولتآبادی از ایس زمره است که ایس امر

با کار می توان از اساتل میش؛ محمود بدر طالعی نیسز نام برد که توصیف انتقادی از وضع کارگران یک شرکت ساختمانی است یا «خیزاب» بیزمین و حق نسق) نیز که از مزدبگیران روستایی بود ومشمول اصلاحات ارضى نشده بودند در نثر داستاني راه

آرشخيرانديش

h1393.blogfa.com

. طماع و حریص در جزیره کیش داشته: بازرگانی را شنیدم که صد و پنجاه شتر بار شت و چهل بنده خدمتکار. شبی در جزیره كيش مرا به حجره خويش در آورد، همه شب نیارمیداز سخنان پریشان گفتن که فلان نیارمیداز سخنان پریشان گفتن که فلان انبازم (شریک) به ترکستان و فلان بضاعت ر ستان است و این قباله فلان (مال) به هندوس زمین است. گاه گفتی خاطر اُسکندریه دارم که هوای خوش است، باز گفتی نه که دریای رخ کر مغرب مشوش است. سعدیا سفری دیگرم در پیش است، اگر آن کرده شود به قیمت عمر خویش به گوشه ب . م. گفتم آن کدام سفر است؟ گفت: گوگرد پارســـی خواهم بردن به چین که شنیدم قیمت عظیم دارد و از آنجا کاسه چینی به روم آرم و دیبای رومی به هند و فولادهندی به خَلب و آبگینه (آیینه) خَلبی به یمن و برد (یک نوع پارچه) یمانی به پارس وزان پس ترک تجارت کنم به دکانی بنشینم، انصاف از مالیخولیا (جنون) چندان فرو گفت که بیسش طاقت گفتنش نمانسد، گفت:ای سعدی تو هم سخنی بگوی از آنها که دیدهای

تبدیل شــده که در اثر توسعه ناپایدار، شدیدا از لحاظ زيستمحيطي واجتماعي لطمه خورده و به مرکزی برای خروج ارز از کشــور و توسعه مصرف گرایی افسار گسیخته تبدیل شده است. یکی از دلایل اصلی فشارهای زیستمحیطی واجتماعــی بر ایــن جزیره خلیجفــارس، گردشــگری انبــوه و تجاری موجود در آن است که هیه ارزش تولیدی برای کشور نداشته و در خدمت واردات انبوه كَالاً قرار گُرُفته است. چُنين استُ كه اكنوُن حرص وطمع بى انتهاى نوكيسه گان، استقلال

> اقتصادی کشورمان را تهدید کرده و تولیدات ملی . را تحت فشار قرار میدهد وســعه تجاری و توســعه گردشگری در جزیره کیش دو بال یک پرنده هس . كه نه تنها آن جزيــره را به نابــودی می کشــاند، بلُکه الگویی شدہ است برای توسعه مناطق آزاد تجارى ِ ; ُجنوب تا شــمال کشور کے نتیجہای جےز تباهی

اجتماعی، زیستمحیطی و اقتصادی کشور را در پی ندارد. آری ایسن الگوی نامیمون جزیره کیش

است،بر کشُور عزیزمان تحمیلُ شده است. اکنون با کمال تاسف بعضی از افـراد –و ازجمله بعضی از مسئولان -الگُوی مُخربُ اجرا شده در جزیره کیش را برای تنها جزیره ایرانی دریای خزریعنی جزیره آشوراده توه مى كنند. واضح است كه بسياري از آنان از فاحش اصرار دارند. کسی که جزیره آشوراده

ر ر ر ر ... شخصی بی اطلاع از اصول محیط زیست و البته طماع و حریص است اما مسئولانی از سازمان حفاظت محیطزیسست که بر اجرای طرحهای گردشدگری در آن جزیره و سایر ے طق چهار گانه تحـ دارند، درواقع آگاهانه قصد واگذاری اختیار این مناطق را به چنین افراد ناشایست و زراندوزی دارند که جز به منافع کوتاهمدت خود به چیز دیگری نمی اندیشند. این افراد لایق در اختیار گرفتن هیج بهرهای از بیتالمال و انفال نیستند تا چه برسد به مدیریت حساس ترین مناطــق اکولوژیک کشــور. آیا نمیبایس ت خشم و اندوه، به چنین مسئولان در برابر خُواست جامعه دلسوزان محیطز یس ایران-که تبلـور آن در قالب اســتاد مردمی نجات آشوراده» قابل مشاهده است –به معنای پشت کردن به محیطزیست نیست؟ آیا استاد ر مردمی نُجات آشــوراده، – کــه تاکنون مانع دستاندازی نوکیسه گان به آن جزیره شده ست- در پی کسب سود و منفعتی بوده که باواکنش منفی و ناشایست مسئولان حفاظت محیطزیست روبه رو شده است؟ آیا این است مفهوم حمایت از مشارکتهای مردمی که آن سازمان مطرح می کند؟ اینها سوالاتی ـت كُه پاسـخُ آنها كاملا واصْح و روشُ است. اکنون بعضی از مدیران آن سازمان برای تمامی آن مناطق نسخه گردشگری

به صفت حرص و آز مزین هستند) را برای در اختیار گرفتن این زیستگاههای حُ حمایت می کنند. گویی که بیتالمال و انفال در مالکیت شخصی آنان است که به --ان ر هر که خواســتند، ببخشــند آنان در عوض انجَام وظُیفه اصلیشان، به نمایشُهای ریست محیطی بسنده کرده و بعضی از کم تجربگان رابدینوسیله مشغول می سازنداما غافل بودند از مردمي كه آگاهانه و شجاعانه مانعشان شدند و تمامي معادلات شان را به ت که ستاد ند. چنین اس نجات آشوراده، متشكل از حدود دويست سازمان مردمنهاد و جمع سازمان مردمنهاد و جمع مسئولاتی از سازمان حفاظت بزرگی از فعالان مستقل ت و استادان

ہے (ہمان نوکیسے گانی کہ ہمگی

محیطٔزیست کهبرآجرای طرحهای گردشگری در آن جزیره وسایر مناطق چهار گانه تراز اول دانشگاه، تاکنون به آنان اجازه نداده که جزیره آشـوراده را واگذار نحتمدير يتخوداصرار کننـد. ایـن راه تـا پایان دارند،درواقّع آگاهانهقم واگذاري اختيار اين مناطق رفع خطر کامل از جزیره رابهچنین افرادناشایستو زراندوزی دارند که جزبه منافع شوراده عزينز اداميه خواهدٌ داشتٌ و دُلسوزان کوتاهمدتخودبهچیز دیگری نمی|ندیشند طبیعت و فرهنگ ایران هوشیارانه تمامی حرکات در این رابطه را رصد کرده

و – ضمن این که از س مناطق و موضوعات زیست محیطی غافل ر د - به مقاومت قانونی خود ادامه خواُهند داد. این هشــداری است به کسانی و میاکنون بار امانت حفاظت از مناطق . . . چهار گانه مح چهارگانه محیطریست ایران بر دوش آنان است که اگر کوچکترین خطایی دراینباره مرتکب شوند با واکنشی سنگین – به اتکای قانون – روبهرو خواهند شــد آری بزرگی و شرفٌ متعلَّق به كساني است كه وطَّيفُه رابشناسند وبدان عمل كنند وخجلت وذلت . سزای کسانی است که آمانتدار نباشند.



را فاقد ارزش اکولوژیک دانسته به این دلیل که آن جازیستگاه شغال و انار ترش است، احتمالا شیخ اجل سـعدی در حدود هشتصد سال یش از خاطــرهای میگوید که بـــا بازرگانی آن شنیدستی که در اقصای غور بار سالاری بیفتاد از ستور مے پیچند و شے کتھا و افراد شناختهشده

گفت چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پر کند یا خاک گور

جزیره کیش اکنــون به یکــی از مناطقے

ت که توسط طماعان و حریصان چند دهه

ایران است. دیگر مؤلفه، بیان رابطه انسان با طبیعت . ذكر اين مُوردُ و توصيفٌ طبيعت مجـــددا از يک سو باز می گردد به اندیشه باز گشــت به زندگی بدوی به

نگاه منتقد

ر بر کی ر بر دور از صنعت و اصالت جویی. از ســوی دیگر برمی گردد به توصیف اوضــاع جغرافیایی و عنصــر تمایز طبیعی طُبِعَت تَنها بَهانَهُای میشود برای وصف محیط؛ مَانند برگها می ریزند؛ اشکوری اما گاه راهی است در بیان .ر برخورد و مبارزه انســان با نیروی مقاوم طبیعت؛ مانند ، دهكده من، ناصر ايراني كه بازگشت به اصالت زمین و ارزشهای سنتی و ترویج ماندن در روستا و عدم

مهاجرت به شهر باتوجه به تحولات مذکور در سطور پیشین در آن به چشم می خورد گاه این طبیعت قدر تی ی شدود و پرانگر و نابود کننده؛ مانند « ر هآور د» امیر: ی / ریر / / / / فقیری که در آن شخص روستایی مقهور طبیعت تجسم می یابد و اما هنگامی در خدمت بیان واقعیات اجتماعی ی... نظیر توصیف اختناق روحی، اجتماعی و... قرار می گیرد. اکبکها امین فقیری از این زمره است که شدت فقر و . گرسنگی روستاییان را با توصیف طبیعت به نمایش در

. . . ى ترديد موضوعات مطروحه تمامى مضامين اين ژانر لابی را در بر نمی گیرد؛ لذا برای در ک بیشتر اجتماعیات این عصر که دیگر توجه به شــهر را کافی نمی دانست به مضامین دیگر بدون ذکر نام اثر پر داخته می شیود: بیان . فلاکتهای رود روستا، فقر و خُرافات و جهل روستاییان، دهقانان دور شده از زمین، نومیدی، ولگردان آواره در حاشیه اجتماع، نومیدی و آشفتگی مردم، قحطی و بیماری، عشق و

اکامی،جنون،مطرودانومنفوران عشقهای ممنوع، توصیف زندگی زنان بی پناه و بی اخلاق و رنج آنان، ر بی این از بی این در این علی و تنهایسی و میان گرایسی، تسرس و تنهایسی و بیان افسانه های شفاهی و بی بناهی، بیان افسانه های شفاهی و اطلاعات جغرافيايي مناطق وسبك معماری و ترانه هــا و..، ناروایی های اجتماعي، هجوم مأموران دولت، حبس، بیان سیستم دیوانسالاری حاکم، کار کودکان، ازخودبیگانگی

و مرگاندیشی، بیان درگیریهای صنفی و کارگری، بازتاب وجود موادمخدر و مسکرات و ام دبازی، چیاولگری های شرکت های ساختمانی، درباره ر در کی چه ر کرک اداره شیلات و گمرک و قاچاق زندگی صیادان و جاشوها و شــالیکاران و.. بیان داستان از منظر گاه کودک (مانند أقرار، محمود طياري و ، پشت پُرچينُ، محسّ

بيانُزندگي کارمندان و سربازان غُربت زدهو... در اُخر گفتنی است که بیان و پرداختن به ادبیات قلیمی بی تردید پژوهشی ژرف می طلبد که از فرصت این نوشتار به دور است؛ لذا تنها به گونه ای اجمالی ذکر اهم مُســائل رفُتُ تا شــمهای از بازنمُودهــای تحولاتُ جتماعی و سیاسیی دوره مورد بررسیی را نشان دهد؛ ن اشـــارت هم بااحتياط مي تـــوان يكي از علل اما با هم. شُدقدرَتُ خَارُجی حاکم بر ایران، به جهت ثبات خویش به اجرای آن کمک کنــدو ایدئولوگهای رژیم نیز آن را

[۱] یراوند آبراهامیان، ایران بین دوانقلاب، ص۵۳۲ ۲]محمد جعفری(قنواتی)، «در قلمرو ادبیات اقلیم کتابماهادبیات،ص۱۴۵–۱۴۰ ۳] حسن میرعابدینی، صدسال داستان نویسی ایران، ج ۱و۲، صص ۵۰۶ و ۵۲ [۴]ر.ک،همان،از ص ۵۲۵ تا ۵۲۵

۔ [۵]نعمـتالله فاصلی به نقل از اسـتفان واگــر امروزی شدن فرهنگ ایران،صص۲۸۰و۲۸۱ زبان وادبیات فارسی، ش۱۵، ص۱۱۶–۹۵ [۷]ر.ک، علیرضا ازغنسدی، تاریخ تحولات سیاه جتماعی ایران (۱۳۵۷–۱۳۲۰)، ص۱۴۱

[۹]یراوندآبراهامیان،همان،ص۵۲۶ [۱۰]علیرضاازغندی،همان،ص ۱۵۰ [11]همان،ص۱۹۵ «در گزینش آثار تمر کز بر صدسال داستان نویسی ·

[۸]همان،ص۱۹۵

چشم طمع به مناطق چهارگانه محیطزیست ایران